

بررسی نقشمایه های مردانه در تمدن ایلام (از اوایل هزاره سوم تا اواسط هزاره اول ق م)

ابوالقاسم دادور*^۱، علی صادقی طاهری^۲

^۱ دانشیار دانشکده هنر، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد هنر اسلامی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۱۰/۱۰، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۱/۱۲/۱۳)



چکیده

استفاده از نقشمایه های انسانی که از کهن ترین زمان در آثار هنری به جامانده، از تمدن های مختلف و در دوره های تاریخی متفاوت مرسوم بوده است. پیکره های کوچک و بزرگ انسانی از مواد مختلف و همچنین نقوش انسانی بر روی ظروف و لوازم دیگر در تمدن ایلام، نشان دهنده اهمیت است که انسان ایلامی برای خود قائل بوده است. در حقیقت همین نقشمایه های انسانی، مهم ترین منابع تصویری در جهت شناخت فرهنگ ایلامی محسوب می شود. پژوهش حاضر که به روش توصیفی و تاریخی و با استفاده از منابع مکتوب صورت پذیرفته، به بررسی نقشمایه های انسانی و به طور ویژه نقوش مردانه در تمدن ایلام می پردازد چرا که تمدن ایلام به توجه ویژه به نقش زن شهرت دارد و این پژوهش در پی آنست که با بررسی نقوش مردانه، شناخت بیشتری از اوضاع فرهنگی و اجتماعی ایلامیان به دست دهد. هدف از این پژوهش بررسی موتیف های مردانه ای است که می توانند جایگاه مرد ایلامی را بیان کنند. موتیف هایی چون نوع آرایش موی سر و صورت، نوع کلاه و لباس و نحوه نمایش پیکره های مردانه که به تکرار در آثار ایلامی آمده است به طور تصویری مورد بررسی قرار گرفته است. نگاهی خاص به نقشمایه های مردانه ای شده است که می توانند بیانگر جایگاه مرد در تمدن ایلام باشند.

واژه های کلیدی

نقشمایه، تمدن، ایلام، مرد.

مقدمه

باستان را به این نتیجه رسانده است که تمدن ایلام یک تمدن زن سالار بوده است.

بیان جنسیت در آثار هنری اقوام و تمدن‌های مختلف از دیرباز مورد توجه و تاکید قرار داشته است، توجه به ویژگی‌های زنانه در تندیس‌های الهه مادر یا ونوس که نمونه‌های زیادی در تمدن‌های مختلف دارد، موید این امر است. با یک بررسی کوتاه در آثار هنری تمدن‌های مختلف، متوجه شباهت زیاد آثار مختلف در بیان ویژگی‌های جنسیتی می‌شویم اما تفاوت‌های بسیار ظریفی در این بین وجود دارند که می‌توانند راهگشای ما در شناخت و معرفی بیشتر هر فرهنگ و تمدنی باشند.

پژوهش و بررسی‌های زیادی درباره نقوش و تصاویر ایلامی و همچنین نقش زن در تمدن ایلام صورت گرفته است که در این پژوهش نیز به عنوان منبع مورد استفاده قرار گرفته‌اند، اما نقوش مردانه و ویژگی و نقش مردان در تمدن ایلام به طور جداگانه مورد بررسی قرار نگرفته‌اند. این پژوهش در پی آن است که با شناخت بیشتر نقش و ویژگی‌های مردان در تمدن ایلام، تصویر دقیق‌تری از وضعیت فرهنگی و اجتماعی ایلامیان نشان دهد.

آثار هنری به جامانده از دوره‌ها و مکان‌های مختلف در ایران بیانگر اعتقادات، آداب، رسوم و زندگی مردمان آن زمان‌ها و مکان‌ها می‌باشد. ظروف سفالی، سنگی و فلزی، نقوش برجسته و پیکره‌های برجمانده از هر دوره، حاوی نقوش و تصاویری هستند که می‌توانند به بسیاری از پرسش‌های ما درباره ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن دوره پاسخ دهند. در این میان نقوشی که در آثار هنری یک دوره به صورتی بارز و عمده تکرار می‌شوند، به عنوان نقشمایه‌های آن دوره یا تمدن خاص، نقش مهم‌تری در شناخت هر چه بیشتر ما از آن دوره یا تمدن دارد.

تمدن ایلام از ابتدای ظهور خود در کنار همسایگانی می‌زیست که دارای تمدن‌های بسیار عالی و پیشرفته‌ای بودند. مانند تمدن‌های بین‌النهرین که با آنها در تماس بسیار نزدیک و همیشگی بوده‌اند. از همان آغاز تشکیل تمدن ایلام، رب‌النوع‌های گوناگونی مورد پرستش بوده‌اند. مهم‌ترین رب‌النوع ایلامی، رب‌النوع مونی است که در نظر آنان زندگی و آفرینش، آفریده او بوده است. بنابر اهمیتی که زن در تمدن ایلام داشته است و از جمله رسم انتساب افراد به مادر، بسیاری از پژوهشگران ایلام

تعریف نقشمایه

مذکر را نمایش دهد. نقوشی که می‌توانند معرف ویژگی‌های مردانه باشند از جمله موی صورت (ریش)، نحوه آرایش موی سر، نوع کلاه، نوع پوشاک مورد استفاده، نحوه نمایش بدن در وضعیت‌های گوناگون و تنوع فعالیت یا کاری که انسان به آن می‌پردازد، در آثار هنری تمدن‌های مختلف دیده می‌شوند که تکرار و تداوم استفاده از نقوش و عناصر خاص، بازتاب شرایط زندگی در یک تمدن در زمان و مکان خاص است و به نوعی بیانگر هویت آن قوم یا تمدن می‌باشد.

تمدن ایلام

تمدن ایلام، کانون یکی از درخشان‌ترین تمدن‌های بشری به شمار می‌آید. این تمدن به قدری پرمایه بود، که مانند ستارگانی که پس از مرگ هنوز سال‌ها نورافشانی می‌کنند، پس از زوال نیز تا مدت‌های مدید باقی بود و چراغ راه اقوام جدیدی گردید که در این سرزمین جایگزین قوم پیشین شده بودند. ایلام یکی از سرچشمه‌های الهام پارس‌ها و سپس شاهنشاهی هخامنشی در خلق تمدن درخشان ایران آریایی گردید. "تمدن ایلام در نهایت گسترش تاریخی خود، از اوایل هزاره سوم تا اواسط هزاره اول ق م، بخش بزرگی از مناطق غربی و جنوبی سرزمین امروزی ایران را دربرمی‌گرفت. براساس تقسیمات جغرافیای سیاسی امروز، ایلام باستان سرزمین‌های خوزستان، فارس و بخش‌هایی از استان‌های کرمان، لرستان و کردستان را در بر می‌گرفت" (مجیدزاده، ۱۳۷۰، ۱).

برای نقشمایه که به عنوان معادل فارسی (MOTIF) به کار می‌رود، تعاریف مختلفی ارائه شده است که در بیشتر این تعاریف اصلی بودن و تکرار مورد تاکید قرار گرفته است: "۱. نگاره، گله، نقشمایه؛ ۲. مضمون هنری (مرزبان و معروف، ۱۳۸۰، ۲۲۳). "مایه اصلی و بارز در یک اثر هنری، عنصر یا ترکیبی از عناصر بصری که در یک ترکیب‌بندی تکرار می‌شود و در بیان هنرمند ویژگی و برجستگی دارد" (پاکباز، ۱۳۸۳، ۵۹۸).

موتیف در همه هنرها و به ویژه هنرهای تجسمی به کار می‌رود و مهم‌ترین ویژگی آن در این هنرها، خصلت تکرار شونده‌گی و برانگیزندگی آن است. موتیف در حوزه هنرهای تجسمی از جهت کارکردی که در تفسیر و تحلیل پیکره‌ها و نقوش‌ها دارد، عنصر قابل توجهی برای تحلیلگران آثار هنری بوده است. این ویژگی از حیث باستان‌شناسی نیز بسیار حائز اهمیت است زیرا بسیاری از پیکره‌ها و طرح‌های قدیمی به جامانده بر دیواره بناها و جداره ظروف را که بیانگر نکته‌های تاریخی و ملی و فرهنگی است، می‌توان با موتیف (نقشمایه) شناسایی کرد. این امر به تفسیر و تحلیل نگاره‌های باستانی و دریافت نکات فرهنگی و تاریخی از خلال آنها کمک شایانی می‌کند.

نقشمایه مردانه

منظور از نقشمایه مردانه، عنصری است که به تکرار مورد استفاده قرار گرفته است تا بتواند ویژگی‌های کلی و اصلی مردانه یا جنسیت

دیگری تعلق ندارند هر چند شباهت‌هایی بین آنها و برخی نژادهای دیگر دیده می‌شود. گیرشمن، این مردم را از نژاد آسیانی^۱ می‌خواند که نه به دسته‌ی سامی متعلق است و نه به دسته‌ی هند و اروپایی و می‌نویسد: "این منشأ آسیایی که مابین همه‌ی اقوام آسیای غربی مشترک است، بعدها موجب فرهنگ این ناحیه خواهد گردید و مخصوصاً هنری را بوجود خواهد آورد که آن را متعلق به آسیای غربی می‌دانند و ایران، با تمدن ظروف سفالین منقوش خویش به منزله‌ی یکی از عناصر متشکله‌ی توسعه‌ی آن بشمار می‌رود" (گیرشمن، ۱۳۸۵، ۳۰).

ژان کونتو^۲ مورخ فرانسوی نیز ساکنان قدیم ایلام را قطعاً از مردم «آسیانی» می‌داند و می‌نویسد: ساکنین ایلام از مردم «آسیانی» بودند و این کلمه برای معرفی مردمی به کار برده می‌شود که در قسمت مهم آسیای غربی، قبل از تاریخ مسکن داشتند (خاورشناسان فرانسوی، ۱۳۳۷، ۵۳). در مورد نژاد ایلامیان به آسانی نمی‌توان نظر داد. بیشتر مورخین بر این نکته تأکید کرده‌اند که آنها از یک نژاد واحد نبوده‌اند و با هیچ کدام از نژادهای دیگر نیز وابستگی ندارند. "محقق هر چه بیشتر در منابع غور می‌کند بیشتر این احساس به او دست می‌دهد که ایلامی‌ها ایلامی بوده‌اند، با استقلالی منحصر به خودشان. تاکنون هیچ نشانه‌ای از خویشاوندی آنها با اقوام دیگر به اثبات نرسیده است" (هینتس، ۱۳۸۹، ۲۹).

انواع نقشمایه‌های مردانه در تمدن ایلام

۱- موی سر

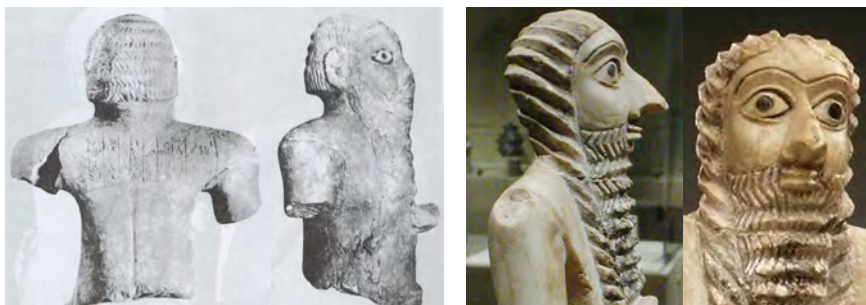
مقایسه پیکره‌های مردانه اولیه ایلامی با نمونه‌های سلسله‌های قدیم بین‌النهرین نشان می‌دهد که هنرمندان ایلامی برای نمایش پیکره‌های انسانی در این مرحله، تقلید زیادی از هنرمندان بین‌النهرین داشته‌اند. پیکره‌های مردانه ایلامی این دوره در چشم‌های بزرگ، بازوهای مخروطی، بالاتنه برهنه و دست‌هایی که در برابر سینه بر روی هم قرار می‌گرفته‌اند شباهت زیادی با پیکره‌های بین‌النهرینی دارند اما تفاوت‌های آشکاری هم با پیکره‌های سومری دارند. مثلاً موی سر کوتاه است و پشت گردن نمایان است. موی سر با خطوط عمودی زیگزاگ نشان داده شده است که به صورت نقشمایه مردانه خاص هنر ایلامی در دوره‌های بعد هم دیده می‌شود (تصویر ۱). موی سر به شکل مجعد و با خطوط زیگزاگ در نقوش مردانه در تصویر بعدی

و دیگری تمدن نجد ایران. گیرشمن در این باره می‌گوید: کار او (منظور شوش است) عبارت بود از: دریافت داشتن، توسعه بخشیدن و سپس انتقال دادن. بابلی‌ها قسمت مرتفع سرزمینی را که در مشرق کشورشان قرار داشت «لامتو» یا «لام» یعنی «کوهستان» و شاید «کشور طلوع خورشید» یعنی مشرق می‌نامیدند و این نام تا به امروز در گوشه‌ای از جنوب غربی ایران کورسو می‌زند.

ایلام که تاریخش از چهار هزار سال پیش از میلاد آغاز می‌گردد (ولی از ۸۰۰۰ سال پیش از میلاد نیز آثار زندگی در آن کشف گردیده است)، به ناحیه‌ای اطلاق می‌شده که از شمال به کوه‌های بختیاری، از جنوب به خلیج فارس تا بوشهر و از مغرب به دجله و از مشرق به قسمتی از فارس محدود می‌شود و شامل ایالات خوزستان و لرستان امروزی، پشتکوه و کوه‌های بختیاری بوده است. این حدود پیوسته ثابت باقی نمی‌ماند و زمانی که ایلام در اوج عظمت به سر می‌برد، از سمت مغرب به بابل و از مشرق به اصفهان گسترش می‌یافت. "ایلام با اینکه پایه‌پای بین‌النهرین باستان حضوری سرزنده داشته است، هنوز صندوق درسته‌ای است که تنها از درزهای آن می‌توان نگاهی به درون تاریخش انداخت. اما با همین آگاهی ناچیز می‌توان گفت که کردار مردم ایلام هیچ شباهتی به کردار همسایه‌های غربی‌اش سومر و بابل و آشور نداشته است" (هینتس، ۱۳۸۹، ۱۲).

نژاد ایلامی‌ها

درباره نژاد ایلامی‌ها میان دانشمندان و محققان اختلاف است. ژاک دو مورگان دانشمند فرانسوی که مدت ۱۷ سال در شوش (پایتخت دولت ایلام) به تحقیق پرداخته، معتقد است که ساکنان اولیه‌ی ایلام را سیاهان حبشی تشکیل می‌دادند که تمام سواحل خلیج فارس تا مکران و بلوچستان را اشغال کرده بودند. بعدها این نژاد سرزمین خود را در اختیار فاتحان گذاشته و با آنها در آمیخته و نژاد دورگه‌یی بوجود آوردند که شامل ساکنان شوش علیا و شاید بخشی هم از کردستان باشد. او می‌نویسد: هرچه باشد، حتی برای مسافری که مستقیماً به مسائل نژادی علاقه‌مند نیست، وجود اختلاف دورگه‌ی سیاهان قدیمی در شوش، موضوعی است غیرقابل انکار که در هر قدم علامات آن را باز می‌یابد (ممتحن، ۱۳۵۰، ۲). تقریباً همه‌ی کسانی که درباره‌ی نژاد ایلامیان نظر داده‌اند، آنها را نژاد مستقلی دانسته‌اند که به هیچ نژاد



تصویر ۱- راست: پیکره ایستاده یک نیایشگر، بین النهرین، حدود ۲۹۰۰ تا ۶۰۰ ق.م. ماخذ: (وب سایت موزه متروپولیتن)
چپ: پیکره یک نیایشگر، ایلام باستان، حدود ۲۷۰۰ ق.م. ماخذ: (مجید زاده، ۱۳۸۶، ۱۰۹)

۲- ریش

در بسیاری از آثار ایلامی، نقوش مردان با ریش نشان داده شده است، حداقل در مورد خدایان و افراد مهم خاندان سلطنتی این قاعده رعایت شده است. ریش مردان در تمدن ایلام به چند شکل نشان داده شده است:

الف- با خطوط عمودی مواج

در بسیاری از آثار تمدن ایلام و در نقوش مردانه این نحوه نمایش ریش به چشم می‌خورد که با خطوط ساده عمودی و منحنی نمایش داده می‌شود. در تصاویری که بر یک کلاه خود ایلامی نقش شده (تصویر ۵)، این نحوه نمایش ریش را می‌بینیم.

ب- با خطوط عمودی و صاف

نوع دیگر نمایش ریش مردانه در تمدن ایلام را در تصویر ۶ که یک خدای ایلامی را نشان می‌دهد، می‌بینیم. در این پیکره، صورت حالت اغراق آمیزی دارد و ریش با خطوط کاملاً صاف نمایش داده شده است.

ج- با خطوط هاشوری

در تصویر بعدی (تصویر ۷)، ریش با خطوط کلی به صورت صاف و عمودی و با هاشورهای کوتاه در جهات مختلف نشان داده شده است. این سه شیوه نمایش ریش تقریباً در همه آثار ایلامی تکرار شده است و به صورت نقشمایه مردانه خاص ایلامی درآمده است.

۳- انواع کلاه در نقوش مردانه ایلامی

به طور کلی در نقوش ایلامی سه نوع کلاه قابل تشخیص است:



تصویر ۴- سمت راست: بخشی از سر یک پیکره ایلامی، قرن ۱۳ ق م. ماخذ: (وب سایت موزه لوور)
سمت چپ: دایره نماد خدای خورشید.
ماخذ: (هوهنه گر، ۱۳۷۹، ۳۲)



تصویر ۵- کلاه خود با نقوش سه مرد و پرنده، قرن ۱۴ ق م، برنز (نقوش از ورقه طلا بر روی قیر طبیعی).
ماخذ: (وب سایت موزه متروپولیتن)

(تصویر ۲) که به شکل استیلیزه‌تری نمایش داده شده است نیز دیده می‌شود. در این تصویر موی سر بلندتر ترسیم شده و بر روی شانه ریخته شده و تا کمر ادامه دارد. این نحوه نمایش موی سر مردانه در آثار بعدی ایلامی هم تکرار شده است با این تفاوت که موها علاوه بر معجد بودن و بلند بودن، بافته شده‌اند و نوک موهای بافته شده به سمت بالا برگشته است (تصویر ۳)، که ظاهراً این شیوه اخیر در نمایش مو برای افراد در مراسم مذهبی و مقدس و همچنین در مورد خدایان به کار گرفته می‌شده است و با توجه به شباهتی که با نقش مار ایجاد می‌کند، می‌توان به نوعی معنای تقدس از آن استنباط کرد. "مار به عنوان مظهر دفع بلا بر روی کوزه‌ها و سرپوش ظرف‌ها نمایان می‌شود، مارها در مقام نگهبان بر در درگاه‌ها می‌ایستند، بر پیکره‌ی شاه و گرد محراب می‌پیچند، دسته‌ی نذورات مذهبی چون دبوس و بیل و مانند آنها را می‌سازند و قرقره‌وار می‌چرخند تا تختی برای ایزدی باشند" (هینتس، ۱۳۸۶، ۵۱). در سراسر تمدن ایلام، نقش مار به عنوان یک نقشمایه پرتکرار ظاهر می‌شود. این سنت نمایش موی سر که دو طره بافته در دوطرف سر آویزان است، مربوط به ایلام میانی است و در دوره ایلام جدید مرسوم نیست.

نوع دیگری از نمایش موی سر در هنر ایلامی، موهای بیرون افتاده از زیر کلاه یا سرپوش و به شکل معجد است (تصویر ۴). موهایی که با شباهت زیاد با خطوط مواج موجود در دایره نماد خدای خورشید (شمس) در آثار بین النهرین و ایلام دیده می‌شوند و می‌توانند به گونه‌ای دیگر، تقدس شخص یا انتساب و وابستگی او را به خدای خورشید بیان کنند. در تمدن ایلام نه تنها شاه بزرگ بلکه شاهزادگان و تمام خاندان شاهی دارای تقدس بوده‌اند.



تصویر ۲- بخشی از یک نقش برجسته مذهبی، در حدود ۲۷۰۰ ق م. ماخذ: (آمی، ۱۳۸۹، ۱۲۰)



تصویر ۳- صفحه مدور ایلامی، قیرطبیعی، قرن ۱۳ و ۱۴ ق م. ماخذ: (وب سایت موزه متروپولیتن)

دوم پادشاه ساسانی حجاری شده است، تفاوت‌های نقوش مردانه ایلامی و ساسانی به خوبی قابل مقایسه است. نوع دیگری از کلاه که در نقوش ایلامی قابل مشاهده است، عرقچین است که در نقش برجسته‌های اشکفت سلمان و کول فرح دیده می‌شود (تصاویر ۹ و ۱۰).

لباس‌های مردانه ایلامی

به طور کلی لباس ایلامی‌ها آستین کوتاه است. منتها لباس مردان از لحاظ بلندی آن بر حسب این که دامنه آن در بالای زانو یا روی زانو یا پایین تر از زانو با چه فاصله ای از مچ پا قرار گرفته شامل چهار نوع متفاوت است:

۱. لباس آستین کوتاه که تا بالای زانو را می‌پوشاند (تصویر ۱۰)
۲. لباس آستین کوتاه که تا روی زانو می‌رسد (تصویر ۱۱)
۳. لباس آستین کوتاه که کمی بلندتر از دونوع قبلی است (تصویر ۱۲)
۴. لباس آستین کوتاه مزین که تا روی پارامی پوشاند (تصویر ۱۳).

الف- کلاه شاخدار که مخصوص ارباب انواع است. ب- کلاه کاسکت لبه دار ج- عرقچین
کلاه شاخدار که نمادی از الوهیت در تمدن ایلام است در تمدن‌های بین‌النهرین نیز نمونه‌های زیادی دارد (تصاویر ۵ و ۶ و ۸). در نقش برجسته نقش رستم (تصویر ۹)، سر و پای شاه به صورت نیم‌رخ و از طرف چپ نشان داده شده است، در صورتی که بدن به شکل تمام‌رخ و از روبرو به تصویر کشیده شده است. پادشاه ایلامی که در پشت سر خدایان ایستاده، دارای کلاه کاسکت است. "این کلاه نه تنها قسمت فوقانی سر، بلکه ناحیه پشت گردن را نیز می‌پوشاند. یک روبان تزئینی کلاه وی را زینت می‌دهد. علی‌رغم پوشش پشت گردن به وسیله آن باز هم قسمت‌هایی از موی سر شاه ایلامی در پشت نمایان است و دارای ریش بلند و لباس آستین کوتاه تزئینی است که تا مچ پای وی را می‌پوشاند" (صراف، ۱۳۸۹، ۱۵). در این نقش برجسته که در دوره ساسانی (۲۷۹-۲۹۳ میلادی) توسط حجاران ساسانی در قسمت وسط صحنه و دقیقاً در مقابل خدای ایلامی پیکره بهرام



تصویر ۸- نقش برجسته ایلامی، اواسط هزاره دوم ق.م. ماخذ: (مجیدزاده، ۱۳۸۶، ۱۳۳)



تصویر ۶- خدای ایلامی قرن ۱۸ ق.م، برنز. ماخذ: (وب سایت موزه لوور)



تصویر ۹- نقش رستم نقش برجسته ایلامی. ماخذ: (مجیدزاده، ۱۳۸۶، ۲۰۰)



تصویر ۷- نیم تنه یک خدای ایلامی قرن ۱۳ ق.م، سنگ آهک. ماخذ: (پاتس، ۱۳۸۸، ۳۴۲)



تصویر ۱۳- پیکره کوچکی از طلا حدود قرن ۱۲ ق. م. (وبسایت موزه لوور) ماخذ:



تصویر ۱۰- اشکفت سلمان، نقش برجسته شماره ۱. ماخذ: (صراف، ۱۳۸۹، ۹۷ و ۹۸)



تصویر ۱۱- کول فرح، نقش برجسته شماره ۲، صحنه قربانی کردن حیوانات در مقابل یکی از خدایان. ماخذ: (صراف، ۱۳۸۹، ۹۱ و ۹۲)

مقابل صورت و به شکل بسته نگه داشته است. دومین حالت مربوط به وزیرش "شوترورو" می‌شود که با قراردادن دست‌ها بر روی هم و بر روی کمر بند یا شکم مشخص شده است. سومین حالت را نیز زن "هانی پادشاه ایلامی" نمایش می‌دهد به این صورت که دست چپ خود را روی کمر نگه داشته و دست راست را تقریباً به حالت عمودی مقابل صورت بلند کرده است. در این حالت دست وی بسته است و فقط انگشت سبابه‌اش به طرف آسمان دراز شده است. نقش برجسته‌های اشکفت سلمان از معدود مواردی است که پادشاه ایلامی را همراه با خانواده و در حال نیایش نشان می‌دهد.

"شرکت کنندگان در مراسم ایلامی، به وضوح با دو نوع نیایش مختلف یعنی «نیایش خطاب» و «نیایش سکوت» آشنا بودند. اولی شامل دراز کردن دست در برابر خدا بود و شاید در این هنگام دعایی هم خوانده می‌شد. این حالت را در بین کسانی که بر سکوی مزبور مشغول دعا هستند، می‌توان دید. هرگاه مومنان هدایایی با خود در آن زمان می‌آوردند، تنها دست راست خود را بلند می‌کردند، اما در «نیایش سکوت» مومنان دست‌های خود را روی کمربندهای خود می‌نهادند" (بهزادی، ۱۳۶۸ و ۱۳۶۹، ۸۲۰).

۶- نقشمایه‌های مردان ایلامی بر روی مهرها

از ایلامیان مهرهای بسیار زیادی برجای مانده است که تصاویر و نقوش مهرها، آگاهی‌های زیادی از زندگی روزمره ایلامیان باستان در اختیار ما می‌گذارند که اگر چه خلاقیتی در آن هست، ولی بسیار روشن‌نگرند.

مهرسازان ایلامی در حقیقت محیط پیرامون خود و مردم سرزمینشان را با مشغولیت‌های مختلف نشان می‌دهند. در مهرهای ایلامی تصاویر رسمی و درباری که پادشاه یا خاندان سلطنتی را



تصویر ۱۲- کول فرح، نقش برجسته شماره ۳، صحنه حمل مجسمه خدایان. ماخذ: (مجیدزاده، ۱۳۸۶، ۱۹۵)

۵- نمایش دست در پیکره‌های ایلامی

یکی دیگر از نقشمایه‌های مهم ایلامی، نحوه قرار گرفتن دست است که در آثار ایلامی به تکرار دیده می‌شود. در آثار مختلف ایلامی به سه نوع نمایش دست در پیکر انسان بر می‌خوریم:

الف- دست‌ها به حالت احترام یا دعا رو به بالا (تصویر ۱۱)

ب- فقط دست راست رو به بالا (تصویر ۱۳)

ج- هر دو دست بر روی شکم (تصویر ۹)

که هر سه نمونه را در تصویر ۱۰ نیز می‌توانیم ببینیم. در این تصویر که نقش برجسته ایلامی در اشکفت سلمان را نشان می‌دهد، مراسم نیایش هانی پادشاه محلی آیپیر به همراه وزیرش شوترورو و خانواده‌اش را می‌بینیم. در این صحنه "هانی، پادشاه ایلامی" با کلاه و لباس ساده در ردیف جلو قرار دارد و هر دو دست خود را

دیگر (تصویر ۱۵)، ماهی گیران برهنه، لاک پشت های بزرگی را به خشکی می کشانند و در یک جای دیگر (تصویر ۱۶)، یک مرد ایلامی قایق خود را که دماغه برگشته زیبایی دارد، به ساحل می آورد. بر نقش مهر دیگری (تصویر ۱۷)، چوپان ها بزها را به خانه می آورند و در طولیله ای که از گل ساخته شده، جای می دهند. در مزارع، مردانی به صورت گروهی مشغول کارند. آنها با کج بیل های سه شاخه، زمین را برای کشت آماده می کنند (تصویر ۱۸). در کارگاه های سفالگری، مردان در حال ساخت ظروف هستند (تصویر ۱۹)، و انبار کنندگان غله جنب و جوش زیادی دارند (تصویر ۲۰).



تصویر ۱۷- چوپان ها بزها را به خانه می آورند.
ماخذ: (هینتس، ۱۳۸۶، ۳۳)

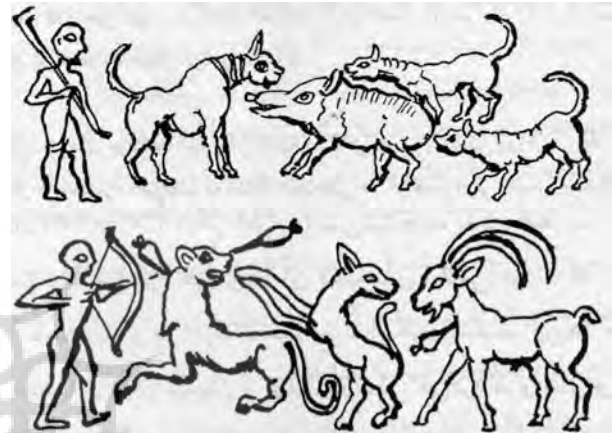


تصویر ۱۸- مردانی با کج بیل های سرشاخه، زمین را برای کشت آماده می کنند.
ماخذ: (هینتس، ۱۳۸۶، ۳۳)



تصویر ۱۹- مردان ایلامی در کارگاه سفالگری.
ماخذ: (هینتس، ۱۳۸۶، ۳۳)

در حال ادای احترام یا قربانی کردن نشان می دهد، بسیار دیده می شود که از لحاظ نقشمایه های مردانه مشابه مواردی است که در قسمت های قبلی ذکر شد. در اینجا چند نمونه از مهرهای ایلامی را می بینیم که دارای نقشمایه های مردانه ای هستند که نقش مردان را در زندگی روزمره در تمدن ایلام برایمان آشکارتر می کنند. بر نقش مهرها می توان شکارچیان ایلامی را دید که کاملاً برهنه اند یا جز لنگی برتن ندارند (تصویر ۱۴). سلاح های مردان ایلامی تیر و کمان و نیزه یا تبرزین است. آنها به همراه سگ هایشان به شکار گوزن، آهو، گراز و حتی گربه وحشی می روند. در جای



تصویر ۱۴- نقش مهرهای ایلامی، مردان در حال شکار.
ماخذ: (هینتس، ۱۳۸۶، ۳۳)



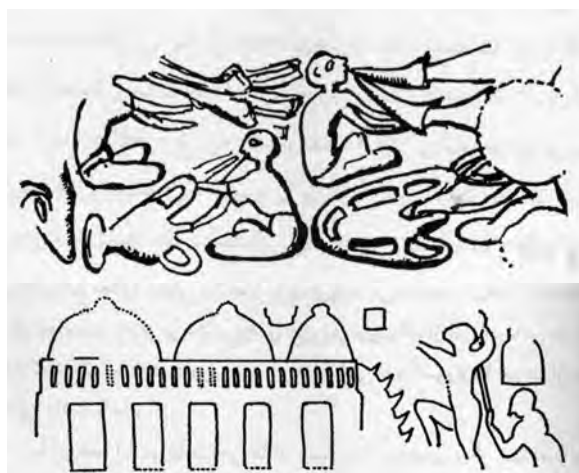
تصویر ۱۵- نقش مهرهای ایلامی.
ماخذ: (هینتس، ۱۳۸۶، ۳۳)



تصویر ۱۶- مرد ایلامی قایق خود را به ساحل می آورد.
ماخذ: (هینتس، ۱۳۸۶، ۳۳)



تصویر ۲۰- نقش مهرهای ایلامی، مردان در حال انبار کردن غله.
ماخذ: (هینتس، ۱۳۸۶، ۳۵)



نتیجه

توجه و تاکید تمدن ایلام بر تفاوت نقش و جایگاه زن و مرد در اجتماع به طور بارزی در آثارشان قابل مشاهده است. ایلامیان با وجود اهمیت زیادی که برای جنس زن قائل بوده‌اند، جایگاه مردان نیز در امور اجتماعی، سیاسی و فرهنگی محفوظ بوده است و این یعنی همان چیزی که انسان‌ها در تمدن‌های مختلف در طول تاریخ به دنبال آن بوده‌اند.

مهم‌ترین نقشمایه‌های مردانه ایلامی را در آثار این تمدن به این صورت می‌توانیم دسته‌بندی کنیم:

- ۱- موی سر: یا کوتاه با خطوط موج یا صاف و بلند با خطوط زیگزاگ بر روی شانه با نوک برگشته (جدول ۱)
- ۲- ریش: با خطوط ساده عمودی یا منحنی و یا صاف، نمایش ریش با هاشورهای کوتاه (جدول ۱)
- ۳- کلاه: شاخدار، کاسکت، عرچچین (جدول ۱)
- ۴- لباس: آستین کوتاه تا بالای زانو، تا روی زانو تا کمی پایین‌تر از زانو و لباس آستین کوتاه مزین (جدول ۲)
- ۵- حالت دست: هر دودست به حالت احترام روبه بالا، دست راست رو به بالا و هر دودست به روی شکم (جدول ۲)
- ۶- نقوش مردانه بر روی مهرها در حال انجام فعالیت‌های مختلف روزانه (جدول ۲).

هنگامی که تمدن ایلام با تمدن‌های تاریخی بین‌النهرین مقایسه می‌شود، تمدن ایلام کوچک‌تر، کم‌اهمیت‌تر و تحت تاثیر تمدن‌های بین‌النهرین معرفی و شناخته می‌شود و این شاید به این دلیل باشد که تاریخ این تمدن بسیار کم‌نگاشته شده است و پس از فروپاشی این تمدن در اثر هجوم آشور بانیپال پادشاه قدرتمند آشوری و سپس تسلط تمدن پارسی بر سرزمین ایران و تمدن‌های همجوار، نه تنها توجهی به حفظ و نگهداری آثار ایلامی نشده است، بلکه تخریب و نابودی آن در دستور کار تمدن‌های غالب بوده است. ایلامیان با داشتن هوش و ذکاوت فراوان ضمن تاثیرپذیری از فرهنگ و تمدن‌های همجوار خود توانسته‌اند فرهنگ و تمدنی عالی و با ویژگی‌های مشخص و ممتاز بسازند که با بررسی آثار به جامانده از آنان در زمینه‌های معماری، پیکرتراشی و نقش برجسته می‌توانیم این ویژگی‌ها را ببینیم. با بررسی نقشمایه‌های انسانی در تمدن ایلام، به ویژگی‌های مشخصی از تمدن ایلام برمی‌خوریم که به طور کلی و به قول "پیر آمیه" دو ویژگی متفاوت می‌بینیم؛ یکی خشونت و سنگینی که به نوعی به ایالتی بودن، رسمی بودن و مذهبی بودن تمدن ایلام برمی‌گردد و دیگری تازگی و صفا و سادگی عامیانه‌ای که گاهی مملو از تشخص است.

جدول ۱- بررسی نقشمایه‌های مردانه در تمدن ایلام.

نقشمایه	تصویر	توضیحات
موی سر		موی سر به صورت بلند، بافته شده و با نوک برگشته که بر روی شانه‌ها ریخته و گاهی تا پشت کمر امتداد دارد. این شیوه نمایش مو شبیه به شیوه نمایش نقش مار در تمدن ایلام است که تقدس زیادی برای ایلامیان داشته است.
		موها به شکل مجعد و بلند و از زیر کلاه بیرون زده و بر روی پیشانی قرار می‌گیرد. خطوط موج در این شیوه یادآور خطوط موج در دایره نماد خدای خورشید است.

نقشمایه	تصویر	توضیحات
موی سر		نمایش موها به شکل مجعد
ریش		این نحوه نمایش ریش با خطوط ساده عمودی و منحنی نمایش داده می شود.
		ریش با خطوط کاملاً صاف نمایش داده شده است.
		ریش با خطوط کلی به صورت صاف و عمودی و با هاشورهای کوتاه در جهات مختلف نشان داده شده است.
کلاه		کلاه شاخدار که نمادی از الوهیت در تمدن ایلام است در تمدن های بین النهرین نیز نمونه های زیادی دارد و مخصوص ارباب انواع یا انتساب به آنهاست.
		کلاه کاسکت: این کلاه نه تنها قسمت فوقانی سر، بلکه ناحیه پشت گردن را نیز می پوشاند. یک روبان تزئینی آن را زینت می دهد. علی رغم پوشش پشت گردن به وسیله آن باز هم قسمت هایی از موی سر در پشت گردن نمایان است.
		عرقچین که در بعضی نقش برجسته های اشکفت سلمان و کول فره دیده می شود.

جدول ۲- بررسی نقشمایه های مردانه در تمدن ایلام.

نقشمایه	تصویر	توضیحات
لباس		لباس آستین کوتاه که تا روی زانو می رسد.
		لباس آستین کوتاه که تا بالای زانو را می پوشاند.
		لباس آستین کوتاه که کمی بلندتر از دو نوع قبلی است.
		لباس آستین کوتاه مزین که تا روی پا را می پوشاند.

نقشمايه	تصویر	توضیحات
حالت دست		دست ها به حالت احترام یا دعا رو به بالا
		فقط دست راست رو به بالا و دست چپ نذورات یا هدایا را نگه می دارد.
		هر دو دست بر روی شکم
نقوش مردانه بر مهرهای ایلامی		نمایش مرد ایلامی در حال انجام فعالیت های کشاورزی یا دامپروری
		نمایش مردان ایلامی در حال شکار
		نمایش مردان ایلامی در حال انبار کردن غله

پی نوشتها

انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
 گذار، آندره (۱۳۷۷)، هنر ایران، ترجمه بهروز حبیبی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
 گیرشمن، رومن (۱۳۸۵)، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
 مجیدزاده، یوسف (۱۳۸۶)، تاریخ و تمدن ایلام، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
 محمدپناه، بهنام (۱۳۸۸)، کهن دیار، انتشارات سبزان، تهران.
 مرزبان، پرویز و معروف، حبیب (۱۳۸۰)، فرهنگ مصورهنرهای تجسمی، انتشارات سروش، تهران.
 مشکور، محمد جواد (۱۳۴۷)، ایران در عهد باستان، امیرکبیر، تهران.
 ممتحن، حسین علی (۱۳۵۰)، نظری به تاریخ ایلام با همسایگان، بررسی های تاریخی، شماره ۳۶، صص ۱-۳۶.
 هل، فرانک (۱۳۸۳)، نمادهای مذهب و تشکیلات اجتماعی در شوش، ترجمه کامیار عبدی، مجله باستان پژوهی، شماره ۱۲، صص ۴۸-۶۱.
 هوهنه گر، آلفرد (۱۳۷۹)، نمادها و نشانه ها، ترجمه علی صلح جو، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
 هینتس، والتر (۱۳۸۶)، شهر یاری ایلام، ترجمه پرویز رجبی، نشر ماهی، تهران.

1 Asianique.
 2 G.Contenau.

فهرست منابع

آمیة، پیر (۱۳۸۹)، تاریخ ایلام، ترجمه شیرین بیانی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
 بهزادی، رقیه (۱۳۶۸ و ۱۳۶۹)، قوم های کهن: ایلام (دین، هنر و فرهنگ)، مجله چیستا، شماره ۶۶ و ۶۷، صص ۸۲۹-۸۱۶.
 بیانی (اسلامی)، شیرین (۱۳۴۹)، ایلام: یکی از سرچشمه های تمدن ایرانی، مجله نیما، شماره ۲۶۲، صص ۲۱۴-۲۱۱.
 پاتس، دنیل تی (۱۳۸۸)، باستان شناسی ایلام، ترجمه زهرا باستی، انتشارات سمت، تهران.
 پاکباز، رونین (۱۳۸۳)، دایره المعارف هنر، انتشارات فرهنگ معاصر، تهران.
 پرادا، ایدت (۱۳۵۷)، هنر ایران باستان، ترجمه یوسف مجیدزاده، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
 خاورشناسان فرانسوی (۱۳۳۷)، تمدن ایرانی، ترجمه عیسی بهنام، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
 رجبی، پرویز (۱۳۸۰)، هزاره های گمشده، توس، تهران.
 صراف، محمد رحیم (۱۳۸۴)، مذهب قوم ایلام (۲۶۰۰-۵۰۰۰ سال پیش)، انتشارات سمت، تهران.
 صراف، محمد رحیم (۱۳۸۹)، نقوش برجسته ایلامی، انتشارات سمت، تهران.
 کامرون، جورج (۱۳۶۵)، ایران در سپیده دم تاریخ، ترجمه حسن انوشه،

منابع تصاویر

موزه بریتانیا، لندن (2012/09/15) www.britishmuseum.org
 موزه متروپولیتن، نیویورک (2012/09/15) www.metmuseum.org
 موزه لوور، پاریس (2012/09/15) www.louvre.fr